

عوامل قطع رابطه انتساب در قتل در حکم شبه عمد

✍️ علیرضا رونزاد* - دکتر ابوالحسن شاکری**

چکیده

عواملی که می‌توانند رابطه انتساب را در قتل در حکم شبه عمد قطع نمایند، به دو دسته: ۱- قوه قاهره ۲- خطای بزه‌دیده تقسیم می‌شوند. قوه قاهره در صورتی رابطه انتساب را می‌گسلد که؛ خارجی، غیرقابل پیش‌بینی، غیرقابل دفع و احتراز و به کسی نیز منتسب نباشد. مقنن در شرایطی از بزه‌دیده (مقتول) حمایت نمی‌کند که؛ اولاً - از ناحیه متهم تخلفی صورت نگیرد. ثانیاً - تقصیر بزه‌دیده (مقتول) علت تامه وقوع حادثه باشد. در چنین فرضی، با براءت متهم از مسؤلیت جزایی، ضمان عاقله نیز منتفی می‌گردد، زیرا که ضمان عاقله در صورتی تحقق می‌یابد که صدمه منتسب به متهم باشد، در حالی که با احتراز تقصیر مجنی علیه رابطه سببیت با متهم قطع می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: انتساب، قوه قاهره، خطا، بزه‌دیده.

*- قاضی دادگستری خراسان

** - عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران

مقدمه:

قتل در حکم شبه عمد؛ تأسیس جدیدی است که در فقه امامیه و قانون مجازات عمومی معمول نبوده و در قوانین جزایی پس از انقلاب اسلامی، اولین بار در تبصره ۳ ماده (۲۹۵) ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده است. هدف قانونگذار از پیش‌بینی عنوان مذکور، رهایی از مشکل پرداخت دیه توسط عاقله و بعلاوه الزام اشخاص به رعایت احتیاط و مراقبت در امور و در غیر این صورت پرداخت دیه توسط خود آنان است.

قتل در حکم شبه عمد نیز- همانند سایر جنایات علیه نفس- از جرایم مقید به نتیجه است. بدین معنا که در صورتی می‌توان مرتکب را مسؤول مرگ مجنی علیه دانست که وقوع جنایت نتیجه حاصل از رفتار وی باشد، به نحوی که بتوان مرگ را ناشی از اقدامات مرتکب شمرده و جنایت (قتل) را منتسب به وی دانست. بنابراین تا زمانی که این رابطه برقرار نباشد، نمی‌توان مرتکب را تعقیب و مجازات نمود و حتی اگر احکام دادگاهها بدون احراز چنین رابطه‌ای اصدار یافته باشند، باید در مراحل تجدیدنظر نقض گردند.

عواملی که می‌توانند موجبات قطع رابطه انتساب را موجب گردند؛ به عواملی اطلاق می‌گردند که رابطه علیت - بین رفتار مرتکب و قتل - را از هم می‌گسلد. این عوامل ممکن است نیروهای طبیعی (افعال بی‌نام)^(۱) و یا دخالت اشخاص غیر از افعال ورود زیان باشند که در دو گروه ذیل مورد مطالعه قرار می‌گیرند: ۱- قوای قاهره و ۲- خطای بزه‌دیده

۱- قوای قاهره

قوای قاهره عبارت است از: حادثه‌ای خارجی که نمی‌توان وقوع آن را پیش‌بینی نمود و در صورت وقوع، مقاومت در برابر آن ناممکن است. به عبارت دیگر واقعه‌ای است که مستقل از اراده بشری رخ می‌دهد و پیش‌بینیها و مراقبتهای متعارف انسان نمی‌تواند از آن پیشگیری کند.^(۲) مانند سیل و زمین لرزه و...

همان طوری که معلوم است، این تعریف متضمن چند جزء اساسی است:

الف - خارجی بودن قوه قاهره: به این معنا که واقعه مورد نظر از لحاظ مادی، هیچ ارتباطی با عمل متهم یا اشیاء و افراد تحت نظارت او نداشته باشد. بنابراین هرگاه این حادثه ناشی از تقصیر متهم یا افراد وابسته به او باشد، منسوب به وی می‌گردد و دیگر نسبت به او خارجی محسوب نمی‌شود.^(۳)

ب - غیرقابل پیش‌بینی بودن: منظور آن است که در لحظه وقوع حادثه هیچ دلیل متعارفی در پیش‌بینی یا احتمال وقوع آن وجود نداشته باشد. بنابراین اگر متهم قبل از وقوع حادثه آن را پیش‌بینی می‌کرده است و علی‌رغم آن خود را یا دیگران را در معرض حادثه قرار دهد، دیگر نمی‌تواند به قوه قهریه استناد کند. به عنوان مثال راننده‌ای که در مناطق کویری به مدت مدیدی رانندگی نموده است و احتمال وقوع طوفان و تندبادهایی را می‌دهد که توأم با ماسه‌های بادی است و موجب برخورد خودرو با تپه‌های ماسه‌ای می‌شود، ولیکن علی‌رغم آن مبادرت به ادامه طریق می‌نماید، در صورت وقوع تصادف و کشته شدن سرنشینان آن نمی‌تواند به قوای قهریه استناد نماید.

شورای دولتی فرانسه نیز در برخی آرای خود طوفانها و تندبادهایی را که در یک منطقه معمول بوده‌اند در زمره قوای قهریه به شمار نیاورده است.^(۴)

از نظر منطقی نیز اصل بر این است که اگر حادثه طبیعی^(۵) تصادفاً و بدون پیش‌بینی متهم به وجود آید و موجب مرگ مجنی علیه شود، رابطه بین رفتار متهم و مرگ مجنی علیه را نیز قطع می‌نماید. مگر این که آن حادثه طبیعی از نظر این انسان عاقل و دوراندیش - با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم - قابل پیش‌بینی باشد. به عنوان مثال؛ اگر راننده‌ای فردی را زیر بگیرد و فرد مصدوم پس از انتقال به بیمارستان در آنجا به تب مخملک مبتلا شود و در اثر آن بمیرد، در اینجا چون ابتلای وی به بیماری قابل پیش‌بینی نیست و تقدیر خداوند تلقی می‌شود، هرگونه رابطه بین عمل متهم و مرگ مصدوم از بین می‌رود. اما اگر متهم فرد مصدوم را در یک موقعیت خطرناک، مثلاً در کنار ساحل، رها نماید و پس از مدتی جزر و مد دریا او را به داخل دریا بکشاند و در آن غرق

شود. در چنین حالتی چون از نظر عقل سلیم احتمال غرق شدن او در آب دریا بر اثر جزر و مد وجود دارد، پس همچنان رابطه علیت بین عمل متهم و مرگ مجنی علیه برقرار است و مسؤول قتل غیر عمدی او شناخته می شود. (۶)

از عبارت تبصره (۳) ماده (۲۹۵) ق.م.ا... اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد...» نیز قابل پیش بینی بودن حادثه مستفاد می گردد و برای این که بتوان کسی را به اتهام قتل در حکم شبه عمد قابل تعقیب دانست باید حادثه ای که به وقوع پیوسته است قابل پیش بینی باشد، به طوری که اگر مقررات مربوط رعایت می شد چنین حادثه ای به وجود نمی آمد. بر همین اساس است که بازرسان کارخانه ها و کارشناسان مسائل حفاظتی معمولاً اظهار نظر می کنند که به طور کلی می توان از اغلب حوادث جلوگیری نمود و بعلاوه کارگاههایی که به امر ایمنی توجه دارند اثبات نموده اند که می توان از حوادث ناشی از کار تا حدود زیادی جلوگیری کرد و از آنها اجتناب نمود. به عنوان مثال ماده (۶۳) آیین نامه پیشگیری و مبارزه با آتش سوزی در کارگاهها مقرر می دارد: «در مواردی که فضولات صنعتی قابل احتراق، اشتعال و قابل انفجار با وسایل مکانیکی به خارج حمل نمی شود به هیچ وجه نباید اجازه داد که در سطح کارگاهها متراکم گردد بلکه باید آنها را در صندوقهای فلزی سرپوش دار جمع آوری و مرتب به خارج حمل کرد.» و ماده (۶۴) می گوید: «در کلیه محلهایی که فضولات آغشته به روغن، کهنه پاره هایی که برای تمیز نمودن ماشین آلات و یا کارهای دیگر مورد استفاده قرار می گیرد و همچنین فضولاتی که ممکن است به خودی خود آتش گیرند، وجود دارد باید در صندوقهای فلزی سرپوش دار نگهداری شوند.» اگر در کلیه رشته های فعالیت صنعتی این امکان وجود داشت که میزان حوادث به سطح حوادث کارگاههایی که دارای روش حفاظتی مطلوبی هستند، تنزل داده شود، در آن صورت تعداد حوادثی که در دنیا اتفاق می افتد جزء کوچکی از تعدادی بود که در حال حاضر روی می دهد. (۷)

ج - غیر قابل دفع و احتراز باشد: یعنی متهم باید در وضعی قرار گیرد که توان مقاومت در برابر آن را نداشته باشد. غیر مقاومت بودن جنبه مجرد دارد، یعنی باید نسبت به همه کس غیر قابل مقاومت باشد و اگر فقط نسبت به متهم مقدور نباشد، موجب برائت نمی شود.

د- به کسب منتسب نباشد: قوه قاهره در صورتی موجب معافیت کامل متهم می گردد که علت تامه وقوع حادثه باشد. به عبارت دیگر به کسی منتسب نباشد. زیرا که در این صورت رابطه سببیت و انتساب میان عمل متهم و وقوع حادثه گسیخته شده و حادثه منسوب به یک واقعه خارجی می شود. تبصره ماده (۳۳۷) ق.م.ا در این زمینه مقرر می دارد: «در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده باشد مانند آن که در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچ گونه ضمانتی در بین نیست.» همچنین صدر ماده (۳۴۲) قانون مزبور می افزاید: «هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی، مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد، هیچ کس ضامن نیست.»

بند هشتم ماده (۲) قانون تأمین اجتماعی نیز در ارتباط با حادثه می گوید: «حادثه در این قانون اتفاقی است پیش بینی نشده که تحت تأثیر عامل یا عوامل خارجی در اثر عمل یا اتفاق ناگهانی رخ می دهد، و موجب صدماتی بر جسم یا روان بیمه شده می گردد.»

سؤالی که در این خصوص مطرح می گردد؛ این است که آیا میان قوه قاهره و حادثه ناگهانی تفاوتی وجود دارد؟ هرچند برخی این دو را مکمل یکدیگر به شمار آورده اند و قوه قاهره و حادثه (آفت) ناگهانی را حادثه خارجی می دانند که ناگهان رخ می دهد.^(۸) لیکن به نظر می رسد پاسخ مثبت باشد. چرا که قوه قاهره حتماً باید واجد وصف خارجی باشد. در حالی که حادثه ناگهانی ممکن است مربوط به شرایط و موانعی باشد که مربوط به متهم می گردد. بنابراین آذرخش و زمین لرزه قوه قاهره اند، ولی توقف

یک قطعه مکانیکی در دستگاهی که متهم با آن کار می‌کند و یا بیهوشی متهم - در حال کار با دستگاه - حوادث ناگهانی به شمار می‌آیند. مضافاً این که حادثه قهری (فورس مازور) حادثه‌ای است که دفع آن غیر ممکن و غیر قابل پیش‌بینی می‌باشد، ولی حادثه غیر مترقبه (ناگهانی) حادثه‌ای قابل پیش‌بینی و قابل دفع است، این دو ویژگی باعث تفاوت آن دو خواهد بود؛ یعنی غیر ممکن بودن دفع و قابل پیش‌بینی بودن.

اثر این تفکیک نیز بسیار مهم است. چرا که قوه قاهره رابطه سببیت میان جرم و عمل متهم را می‌گسلد و مسؤلیت را صرف نظر از مبنای آن، از میان می‌برد. حال آن که اثر حادثه ناگهانی تنها اثبات عدم تقصیر است.^(۹)

۲- خطای بزه دیده

گسترش جوامع و افزایش آمار بزهکاری در کنار تنوع پیچیدگی آن، ایجاب می‌نماید که بزه‌دیدگان احتمالی، در راستای خود - ایمن سازی، شخصاً اقدامات پیشگیرانه‌ای را در مقابل تجاوزاتی که ممکن است نسبت به مال یا جان آنها واقع شود، به عمل آورند. جرم‌شناسان حمایت‌های شخصی قربانیان بالقوه بزهکاری را قلب اقدامات پیشگیری دانسته و هدف آن را تحدید موقعیتهای ارتکاب جنایت بیان نموده‌اند.^(۱۰) براساس این نگرش؛ اگر افراد جامعه در جهت خود - ایمن سازی تلاش نکنند و خود را در معرض بزهکاری قرار دهند، چون ارتکاب جنایت را تسهیل و با تخلفات و بی‌مبالیهای خود نقش اصلی را در ایجاد پدیده مجرمانه ایفا می‌کنند، شایسته مذمت و واکنش منفی جامعه خواهند بود. زیرا چنین افرادی گذشته از به خطر انداختن حقوق، زمینه تحقق جرم را در جامعه فراهم می‌نمایند و نظم عمومی و آرامش جامعه را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهند. در چنین شرایطی؛ پیش‌بینی مجازات برای بزه‌دیدگان بالقوه‌ای که در ارتکاب جرم سهم مؤثری دارند، اگرچه موجه و قابل دفاع می‌باشد،^(۱۱) لیکن در پذیرش عمومی آن محل تردید است. در نتیجه تنها واکنش مناسب و منطقی که در واقع

نوعی مجازات برای بزه دیدگان مقصر تلقی می شود، عدم حمایت کیفری از آنها خواهد بود. عدم حمایت مقنن از بزه دیده (مقتول)، مستلزم آن است که اولاً؛ از ناحیه متهم تخلفی صورت نگرفته باشد. ثانیاً؛ تقصیر متناسب به بزه دیده باشد که ذیلاً به بررسی هر یک پرداخته می شود.

۱-۲- عدم تخلف متهم

با وجود شرایط ذیل، متهم مقصر نخواهد بود:

الف - تدابیر لازم در جهت جلوگیری از وقوع حادثه اتخاذ نماید: در این خصوص تبصره (۲) ماده (۹۵) قانون کار مقرر می دارد: «چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ماده (۸۵) این قانون برای حفاظت فنی و بهداشتی کار وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند... کارفرما مسؤولیتی نخواهد داشت.»

همچنین ماده (۳۳۳) ق.م.ا اشعار می دارد: «... راننده ای که با سرعت مجاز (۱۲) و مطمئن (۱۳) در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته باشد... و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست.»

به طوری که از سیاق عبارات مزبور برمی آید تقصیر متهم منوط به عدم اتخاذ تدابیر لازم در جهت جلوگیری از وقوع حادثه است. بنابراین در صورتی که متهم تدابیر مزبور را اتخاذ نماید، مسؤولیتی متوجه او نیست.

گذشته از مبانی منطقی و عقلانی تدابیر قانونی مارالذکر، چنین مقرراتی از مبانی شرعی مستحکمی نیز برخوردار می باشند. توضیح بیشتر آن که یکی از قواعد مهم فقه اسلامی قاعده «تحدیر» است. روند شکل گیری و تشریح این قاعده به این قضیه تاریخی مربوط می شود که در زمان امیرالمؤمنین علی (ع) کودکانی با فلاخنهای خود سنگ پرتاب می کردند که یکی از سنگها به دندان دیگری برخورد می کند و آن را می شکند. برای حل خصومت نزد حضرت رسیده، رامی (پرتاب کننده) در مقام دفاع از خود،

اثبات نمود که قبل از پرتاب به شخص مصدوم هشدار داده و حذار گفته است. آن حضرت در مقام قضاوت فرمود: (قد اعدر من حدّر «قصاص بر او نیست»).

قاعده تحذیر براساس اصل عقلانی سبب و مباشر مبتنی است و از آن جا که فردی که نسبت به او حذار گفته شده و یا بی‌اعتنایی به هشدار، خود را در معرض خطر قرار داده است، سبب اقوی محسوب می‌شود که ممکن است برخی از اندیشمندان این مسأله را براساس عنصر تقصیر تحلیل نمایند. از دیدگاه آنان خسارت‌زننده با هشدار قبلی خود را از هرگونه تقصیری مبرا کرده است. و تقصیر متوجه او نخواهد بود. به عبارت دیگر مسؤلیت متوجه خسارت دیده که به عنوان سبب اقوی اقدام کرده، می‌باشد.

این قاعده در قوانین نیز به صورتهای مختلف آمده و به دو صورت عنوان گردیده است. گاه قانونگذار در مواردی به اشخاص هشدار داده است که از اقدام به بعضی از امور خودداری کنند و در غیر این صورت هر خسارت یا جنایتی به بار آید هیچ مسؤلیتی برای عامل زیان نیست، یا به عامل زیان گوشزد می‌کند که برای رفع مسؤلیت از خود، اقداماتی را به جهت هشدار به زیان‌دیده معمول دارد. از جمله موارد هشدار عامل زیان را می‌توان در کنوانسیون ورشو؛ که مربوط به حمل و نقل هوایی^(۱۴) است، ملاحظه نمود. به عنوان مثال، چنانچه مسافری به اخطارهای متصدی حمل توجه نکند و در نتیجه صدمه ببیند، متصدی حمل مسؤلیتی ندارد (پرونده چی شلم علیه خطوط هوایی اروپایی بریتانیا)^(۱۵) (۱۹۶۳). مسافری در هواپیما برای رفتن به دستشویی از جای خود بلند می‌شود و در همین حین به لحاظ شرایط نامساعد جوی هواپیما تکان شدیدی خورده مسافر به کف هواپیما می‌افتد و صدمه می‌بیند. قبل از حادثه متصدی حمل با روشن کردن چراغهای مربوط که حاکی از این است که مسافران از جای خود بلند نشوند و کمربندهای خود را ببندند اخطار لازم را به مسافران داده بود. متصدی حمل مدعی بود که حتی مهماندار نیز این مطلب را به صراحت به مسافران گوشزد کرده است. دادگاه

انگلیس در این پرونده رأی داد: «با توجه به بند (۱) ماده (۲۰) کنوانسیون ورشو، متصدی حمل و نقل مسؤولیت ندارد، زیرا کارکنان وی کلیه اقدامات و تدابیر لازم را برای جلوگیری از خسارت اتخاذ کرده‌اند.»

پیرامون هشدار قانونی نیز موارد متعددی وجود دارد که قانونگذار به صراحت اشخاص را از مبادرت به بعضی از امور منع کرده است و چنانچه شخص بدون توجه به آن اقدام کند و در نتیجه خسارتی بر وی وارد آید هیچ کس ضامن نیست و در واقع شخص با این کار، علیه خود اقدام کرده است. مانند ورود به بعضی از اماکن و مناطق و یا ورود بدون اذن به آن محلها، که در این صورت مسؤولیتی به عهده صاحب منزل یا متصرف نیست. مواد (۳۴۰)^(۱۶) و (۳۴۲)^(۱۷) ق.م.ا نمونه بارز مصادیق هشدار قانونی می‌باشند.

از سوی دیگر بدیهی است که هشدار دادن و اعلام خطر «حذار» به اعلامهای زیانی منحصر نمی‌شود، بلکه می‌توان کلیه علایم و تابلوهای راهنمایی و رانندگی و همچنین علامتهایی را که به عنوان ممنوعیت ورود به میدان تیر یا منطقه نظامی و امثال آن نصب گردیده است، نوعی حذار و هشدار دانست. در این صورت فردی که با بی‌توجهی به علایم و یا بی‌مبالاتی، خود را در مخاطره بیندازد، نه تنها استحقاق حمایت کیفری ندارد، بلکه از نظر مدنی نیز خود، مسؤول خسارتهای وارد شده شناخته می‌شود.

تشخیص مراتب فوق‌الذکر نیز به تجویز مواد (۸۳)^(۱۸) و (۹۳)^(۱۹) قانون آیین دادرسی دادگاهها عمومی و انقلاب (در امور کیفری) بر عهده کارشناسان و متخصصان امر است که با عنایت به مقررات موضوعه و عرف متداول در هر رشته مبادرت به اظهار نظر می‌نمایند. اهمیت نظر مزبور تا بدان جاست که مقنن در ماده (۳۰۲)^(۲۰) قانون مزبور به مقامات قضایی اجازه داده است که راساً از متخصصان جِرف دعوت به عمل آورد و آنها نیز بدون دریافت وجهی مکلف به اظهار نظر می‌باشند.

ب - از بروز حادثه احتمالی مطلع نباشد: با دقت در موارد مربوط به «تسبیب در

جنایت» این معنا به خوبی مستفاد می‌گردد. به عنوان مثال مطابق ماده (۳۵۷) ق.م.ا: «صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می‌داند باید آن را حفظ نماید... و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران هست آگاه نباشد... عهده‌دار خسارتش نیست.» و همچنین وفق ماده (۳۴۲) قانون مزبور صاحب منزل در صورتی معاف از پرداخت دیه و خسارت است که اطلاعی از ورود شخص به منزلش نداشته باشد و بر همین اساس است که برخی معتقدند: «اگر کسی مخفیانه و بدون اطلاع راننده سوار ماشین او شود و در اثر تصادف ماشین مجروح و یا مقتول شود راننده مسؤول نخواهد بود هرچند تصادم معلول خطای او باشد.»^(۲۱)

ج - قادر به کنترل حادثه نباشد: به دلالت ماده (۳۵۰) ق.م.ا: «هرگاه دیواری را در ملک خود به طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مایل به سقوط به سمت ملک دیگری شود اگر قبل از آن که صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست...» و همچنین مطابق ماده (۳۵۲) قانون فوق‌الاشعار «هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زاید بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و عاده نیز سرایت نکند، لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود، ضامن نخواهد بود.»

به طوری که از موارد مزبور بر می‌آید، صاحب دیوار و افزوننده آتش در صورتی مسؤولیت خواهد داشت که تمکن به اصلاح دیوار داشته باشد و یا بتواند با وسایل لازم مانع از سرایت آتش و النهایه تلف و خسارت شود. از تأمل در عبارت ماده (۳۳۳) ق.م.ا: «... قادر به کنترل نباشد...» نیز این معنا به خوبی مستفاد و حاکی از تدقیق و درایت مقنن در وضع قانون می‌باشد.

در همین خصوص از آیه ا... گلبایگانی (ره) سؤال شده است که راننده ماشین سواری در داخل خیابان شهر با سرعت مجاز در حرکت است، دو کودک با هم بازی

می‌کنند ناگهان یکی با عجله بسیار خود را به زیر ماشین این راننده می‌اندازد به حدی که راننده هرگز قادر نیست و نمی‌تواند را کنترل کند، کودک زیر ماشین تلف می‌شود در این صورت آیا دیه بر اوست یا بر اوست یا بر عاقله و یا بر هیچ‌کدام پاسخ داده‌اند: «با فرض آن که بچه خودش را جلو ماشین انداخته و راننده هم هیچ‌گونه قدرتی برای جلوگیری نداشته و مراعات احتیاط در سرعت متعارف شهر را نموده باشد کسی ضامن نیست ولی اگر ورثه مقتول در این امور مدعی راننده باشند محتاج به مرافعه شرعیه است.»

تشخیص مراتب مارالذکر نیز با انجام تحقیقات موسع و جامع از جمله معاینه محل و دعوت از خبرگان و کارشناسان حرفه‌های ذی‌ربط میسر خواهد گشت.

۲-۲- تقصیر بزه‌دیده (مقتول)

موارد تخلف بزه‌دیده (مقتول) نیز به شرح ذیل قابل احصاء است:

الف - عدم رعایت دستورالعملها و مقررات موجود: به صراحت تبصره (۲) ماده (۹۵) قانون کار: «چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ماده (۸۵) این قانون برای حفاظت فنی و بهداشتی کار و وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر با وجود آموزشهای لازم و تذکرات قبلی، بدون توجه دستورالعمل و مقررات موجود از آن استفاده ننماید کارفرما مسؤولیتی نخواهد داشت.» زیرا که کارگر با عدم رعایت نظامات و مقررات مربوط به امری، مطابق قاعده اقدام^(۲۲) به ضرر خویش اقدام نموده است و بنابراین از نظر منطقی و عقلانی - در صورت وقوع حادثه - وفق قاعده مزبور نباید شخصی را در قبال تخلف وی مسؤول بدانیم. شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور نیز طی دادنامه ۱۳۷۱/۷/۲-۳۹۱ بیان داشته است: «مستفاد از مجموع اوراق پرونده، نظر به این که دلیلی بر الزام متوفی به انجام کار اضافه در شب از ناحیه کارفرما مشهود نیست و نظر به این که متوفی نیز می‌توانسته با به کار انداختن هواکشهای موجود و باز کردن پنجره نسبت به تهویه هوای داخل کارگاه اقدام کند، نتیجه دادنامه معترض عنه شماره ۱۳۷۱/۴/۷-۲۴۷ شعبه چهارم کیفری یک تنفیذ و اعتراض ولی دم مردود

اعلام می‌شود.»^(۲۳)

سیاق عبارت ماده (۳۳۳) ق.م.ا «در مواردی که عبور پیاده ممنوع است اگر عبور نماید... راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست.»^(۲۴) نیز مؤید این معنا است. تفسیر به نفع متهم در قوانین جزایی ایجاب می‌نماید که عبور عابر پیاده و حتی عابر بودن مصدوم را در حکم مسأله دخیل ندانیم، زیرا خصوصیتی برای آن متصور نیست. بنابراین اگر کسی در محلی که ممنوع است نشسته باشد یا با دوچرخه از محل ممنوع عبور کند - با فراهم شدن سایر شرایط مذکور در ماده - مسؤولیتی متوجه رانند نخواهد بود.

ب - بزه دیده (مقتول) در وقوع تقصیر مختار باشد: از حضرت امام (ره) سؤال شده است که جوانی در استخر شنا غرق گردیده، اولیای دم مسؤول استخر را که در هنگام وقوع حادثه در محوطه استخر نبوده است قاتل معرفی می‌کنند. مسؤول استخر می‌گوید: استخر نجات غریق داشته است، اگر مسؤولیتی هم باشد با آنهاست نه با من. نجات غریقها هم اظهار می‌دارند: ما در ساعت وقوع حادثه مسؤولیتی نداشته‌ایم. مقتول بدون اجازه در ساعت تعطیل وارد استخر شده و خودش مسؤول است. آیا در فرض مذکور می‌توان مسؤول استخر و یا نجات غریقها را قاتل شناخت یا نمی‌توان؟ ایشان در پاسخ بیان داشته‌اند: «اگر غریق بالغ عاقل بوده و به اختیار خود رفته در استخر شنا کرده، کسی ضامن دیه او نیست.»^(۲۵) که از مفهوم مخالف پاسخ مزبور چنین مستفاد می‌گردد که اگر کسی به منظور شنا در یک استخر اکراه شده باشد و در حین شنا غرق شود. با فرض عدم مسؤولیت نجات غریق - به واسطه تعطیلی استخر - نمی‌توان مقتول را مقصر شناخت، چرا که عمل مکره رابطه اتساع را گسیخته و قتل را منتسب به وی می‌نماید. در صورت عدم اختیار، ضمان باقی است و مسؤولیت برعهده مکره قرار می‌گیرد.

ج - خطای مقتول علت تامه وقوع حادثه باشد: در صورتی که متهم رعایت احتیاطات لازم را نموده باشد و حادثه صرفاً به جهت تخلف و تقصیر (خطای) مقتول حاصل شده باشد، در چنین فرضی هر وجدان بیداری متهم را بی‌گناه و مجنی علیه را مسؤول تمام

عواقب امر می‌داند، چرا که اصولاً متهم عمل منجر به صدمه یا خطایی مرتکب نشده است تا بحث رابطه سببیت بین خطا و حادثه مطرح شود. این اندازه از مقدمات هم کافی برای تحقق این رابطه نیست. علاوه بر آرای متعددی که از سوی شعب دیوان عالی کشور در تأیید این معنا صادر شده است: (۲۶) رأی وحدت رویه شماره (۱۳) ردیف ۱۵/۶۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۶۲/۷/۶، یکی از مهمترین آرای است که در این مورد صادر گردیده است. رأی وحدت رویه مزبور مقرر می‌دارد: «چنانچه قتل، خطئی باشد و کسی که ارتکاب آن به او نسبت داده شده هیچ گونه خلافی مرتکب نشده باشد و وقوع قتل هم صرفاً به لحاظ تخلف مقتول باشد راننده مسؤول نبوده و بالنتیجه رأی شماره (۲۱) دادگاه کیفری (۲) مشهد به اتفاق آراء تأیید می‌شود.» (۲۷)

با توجه به مراتب فوق‌الذکر، بنابراین در مواردی که خود مقتول اساساً مرتکب خطا (بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات دولتی) گردیده است و این خطا در پیدایش خطر مرگ، در عرف علت انحصاری فوت وی باشد و در مقابل، متهم هیچ گونه خلافی مرتکب نشده باشد، در این حالت مسئولیت کیفری متهم به جهت قتل منتفی است.

در حقوق انگلیس نیز در صورتی که خطای بزه‌دیده علت تامه حادثه باشد عامل ورود زیان از مسئولیت مبری می‌باشد.

«در دعوای *Beresfor* علیه *roial-insurence* در سال ۱۹۳۷ آقای *B* که خود را به مبلغ ۵۰۰۰۰ پوند بیمه کرده بود و بدهی زیادی به افراد داشت در یک موقعیت مناسب خود را جلوی تاکسی انداخت تا با گرفتن حق بیمه، بدهی سنگین خود را بپردازد. دادگاه حکم داد که *B* نمی‌تواند از شرکت بیمه مطالبه جبران خسارت نماید زیرا پرداخت خسارت به این نحو خلاف نظم عمومی است و باعث می‌شود که جرم ارتكابی از طرف *B* را مجاز بشماریم.» (۲۸)

در حقوق فرانسه نیز هرگاه تقصیر بزه‌دیده علت منحصر خسارت و صدمه باشد،

کسی مسؤول جبران خسارت وارده نمی‌باشد. استاد روبرت ووئن فرانسوی می‌نویسد: «عمل مجنئی علیه نمی‌تواند مرتکب را از مسؤولیت کیفری معاف نماید مگر این که فعل او علت واحده و انحصاری خسارت وارده باشد.»^(۲۹)

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌گردد این است که؛ در صورت معافیت راننده و یا کارفرما و غیره از مسؤولیت جزایی، آیا عاقله آنها مسؤول پرداخت دیه مجنئی علیه می‌باشند یا خیر؟ سؤال از اینجا نشأت می‌گیرد که هرچند که مواد (۳۴۰-۳۳۳-۳۴۲) ق.م.ا تبصره (۲) ماده (۹۵) قانون کار مسؤولیت را از عهده راننده، صاحب ملک و منزل و کارفرما برداشته ولیکن تصریحی به عدم ضمان عاقله ننموده است و ممکن است تصور شود که با توجه به اطلاق و عموم بند الف ماده (۲۹۵) ق.م.ا و این که قتل‌های مزبور ماهیةً خطای محض می‌باشند. در صورت عدم ضمان راننده و غیره، مسؤولیت عاقله کماکان به قوت خود باقی باشد. در حالی که با اندکی تدقیق و مذاقه به نظر می‌رسد در مواد مزبور، به جهت عدم احراز رابطه بین قتل با راننده و نیرو هدر بودن خون مقتول عدم ضمان عاقله مستفاد است. چرا که ضمان عاقله در صورتی قابل تحقق است که فعل یا ترک فعلی منتسب به عامل زیان باشد و در مانحن فیه با احراز تقصیر مجنئی علیه رابطه سببیت به عامل زیان قطع می‌گردد؛ چرا که دقیقاً عمل مجنئی علیه از جهت ایراد ضرر به خود از مصادیق قاعده اقدام است. بر همین اساس است که کارشناسان منتخب در تشخیص عامل حادثه، چون علت تامه وقوع حادثه را خطای جزایی از ناحیه مجنئی علیه می‌دانند راننده یا کارفرما را از هرگونه مسؤولیت مبرا اعلام می‌کنند.

استفتائات به عمل آمده از مراجع عظام نیز حاکی از عدم تعلق دیه به عهده عاقله می‌باشد که ذیلاً به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

از آیه ... مکارم شیرازی سؤال شده است که اگر در جریان تصادف رانندگی، مقتول مقصر شناخته شود. آیا باز نسبت به راننده خطا در قتل محسوب است که دیه مقتول بر عاقله راننده واجب گردد؟ پاسخ داده‌اند: «در تصادف رانندگی قتل خطا نیست؛ اگر

راننده مقصر باشد، شبه عمد است و اگر عابر مقصر باشد، مثل این که خود را به زیر ماشین انداخته هیچ دیه‌ای وجود ندارد و اگر قتل مستند به هر دو باشد دیه از راننده به نسبت گرفته می‌شود.»^(۳۰)

و ایضاً از آیه ... گلبایگانی (ره) سؤال شده است در مواردی که در اثر تصادف شخصی کشته می‌شود و کاردانه‌های فنی تقصیر را صددرصد با مقتول می‌دانند و از گفته آنان نیز اطمینان حاصل می‌شود آیا دیه تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و بر فرض تعلق بر قاتل است یا بر عاقله؟ پاسخ داده‌اند: «در فرض سؤال اگر تصادف به نحوی باشد که راننده هیچ‌گونه تقصیری نداشته و جلوگیری از تصادف ممکن نباشد نه عاقله ضامن است و نه راننده ولیکن اگر جلوگیری از تصادف ممکن بوده و راننده جلوگیری نکرده، راننده قاتل است هرچند مقتول نیز تقصیر کرده باشد و دیه و یا قصاص متوجه او است.»^(۳۱)

نتیجه

قوای قاهره و خطای بزه‌دیده، عواملی هستند که رابطه انتساب را در قتل در حکم شبه عمد قطع می‌نمایند. قوه قاهره باید خارجی، غیر قابل پیش‌بینی، غیر قابل دفع و احتراز و به کسی منتسب نباشد. بین قوه قاهره و حادثه غیر مترقبه (ناگهانی) تفاوت وجود دارد. زیرا که قوه قاهره، رابطه سببیت میان جرم و عمل متهم را می‌گسلد و مسؤلیت را صرف‌نظر از مبانی آن از بین می‌برد. حال آن‌که اثر حادثه ناگهانی تنها اثبات عدم تقصیر است.

با اتخاذ تدابیر لازم در جهت جلوگیری از وقوع حادثه، عدم اطلاع از وقوع احتمالی آن و عدم قدرت در کنترل، متهم مقصر نیست. لکن عدم رعایت دستورالعملها و مقررات موجود، اختیار در وقوع تقصیر و انتساب علت تامه وقوع حادثه به بزه‌دیده (مقتول) از موارد تخلف وی است. هرچند اطلاق و عموم بند الف ماده ۲۹۵ ق.م.ا. - با معافیت متهم از مسؤلیت جزایی - ضامن عاقله را متبادر به ذهن می‌نماید، لکن با قطع رابطه علیت به

متهم و احراز تقصیر مجنی علیه، عاقله نیز مسئولیت ندارد. در حقوق انگلیس و فرانسه نیز در صورتی که تقصیر بزه دیده علت منحصر خسارت صدمه باشد، کسی مسؤول نیست.

پی نوشتها:

- ۱- حسینقلی حسینی نژاد، مسؤولیت مدنی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج اول، تهران ۱۳۷۷، ص ۸۷.
- ۲- قوه قاهره یا (Laforce majeure) را در کامن لا، گاه با عنوان عمل منسوب به خداوند (Act of God) یاد می کنند. (رئس به دیرید واکر فرهنگ حقوقی آکسفورد کامبینون، ص ۱۱۴).
- ۳- ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲ و ۴، انتشارات بهنشر، ج اول، تهران، ۱۳۶۸-۱۳۶۶، ش ۷۸۷.
- ۴- رنه شاپور، مسؤولیت عمومی و مسؤولیت خصوصی، ش ۴۳۹.

5- Natural event

6- Anarew Ashwoith, " Principles of criminal law", : clarendon press, first Edition, Oxford, 1991. p3103.

۷- پیشگیری حوادث ناشی از کار، انتشارات دفتر بین المللی کار، ۱۳۷۲، ص ۲۰.

۸- حسینقلی حسینی نژاد، همان، ص ۸۷.

۹- ناصر، کاتوزیان، همان

۱۰- ریچموند گسن، جرم شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی نیا، چاپخانه علامه طباطبایی،

تهران ۱۳۷۰، ص ۱۱۱.

۱۱- به عنوان مثال، ماده ۸ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب تیرماه ۱۳۵۰، آن دسته از عابران پیاده ای را که در عبور از معابر و خیابانها، از محلهای غیرمجاز عبور نمایند متخلف شناخته، آنها را مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین نامه نموده است.

۱۲- سرعت مطمئنه: از نظر فنی عبارت است از سرعتی که اگر راننده با آن سرعت مواجه با خطر شود می تواند قبل از تصادف اتومبیل را متوقف ساخته و یا از وقوع تصادف جلوگیری کند.

۱۳- سرعت مجاز: سرعتی است که مطابق مقررات و آیین نامه راهنمایی و رانندگی به وسیله تابلوها یا علامت دیگر معین می گردد و رانندگان مکلف به رعایت آن می باشند. (ماده ۱۱۳ آیین نامه راهنمایی و رانندگی مصوب ۱۳۴۷ با اصلاحات بعدی)

۱۴- کنوانسیون ورشو که مربوط به یکسان کردن برخی از مقررات حمل و نقل بین المللی مصوب ۱۲ اکتبر ۱۹۲۹ و پروتکل اصلاحی آن در لاهه مصوب ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۵ است، در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز رسیده است.

- ۱۶- ماده ۳۴۰ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور ماده ۳۳۹ را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده‌دار دیه یا خسارت نمی‌باشد.»
- ۱۷- ماده ۳۴۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۳۳۹ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر ناپیایی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام عمل مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد، عهده‌دار هیچ‌گونه دیه یا خسارت نمی‌باشد.»
- ۱۸- ماده ۸۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مقرر می‌دارد: «از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد. از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب و دیگر صاحبان حرف، چنانچه در جرایم مخل امنیت و یا خلاف نظم عمومی اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابند و من به الکفایه هم نباشد، به حکم قاضی جلب خواهد شد.»
- ۱۹- ماده ۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مقرر می‌دارد: «در صورت اختلاف نظر پزشکان و یا تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه، قاضی نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند می‌فرستد، اشخاص یاد شده نظر خود را در صورت لزوم پس از اخذ توضیح از پزشکی که معاینه نموده و یا با معاینه مستقیم، به طور کتبی به قاضی اعلام می‌کنند.»
- ۲۰- ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مقرر می‌دارد: «متهم و مدعی خصوصی بابت هزینه‌های ایاب و ذهاب گواهان و حق الزحمه کارشناسان و مترجمان و پزشکان و غیره که به دستور مقامات قضایی احضار می‌شوند وجهی نمی‌پردازند ولی چنانچه درخواست احضار یا کسب نظر آنان در درخواست متهم یا مدعی خصوصی باشد، درخواست کننده باید هزینه مربوطه را به بپردازد...»
- ۲۱- ابراهیم، پاد، حقوق کیفری اختصاصی، ج اول، انتشارات دانشگاه تهران، ج سوم، تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۸۲.
- ۲۲- قاعده اقدام: اگر کسی اقدام به اسقاط احترام در حق خود کند و به زبان خویش دست به کاری زند، دیگر حق ندارد از باب خسارتی که دیده است تقاضای جبران ضرر کند. برای اثبات این قاعده فقها به خبر «لا یحل مال امرء الا بطیب نفسه» استناد می‌کنند. وقتی مالکی راضی به تصرف بی‌عوض دیگری شد، دیگر موردی برای ضمان متصرف باقی نمی‌ماند.
- ۲۳- یدالله، بازگیر، قانون مجازات اسلامی در آیینه آرای دیوان عالی کشور، «قتل شبیه عمد و خطای محض»، ص ۱۴۷.
- ۲۴- نظیر این ماده در قوانین قبل از انقلاب ملاحظه می‌شود. در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی مصوب تیر ۱۳۵۰ آمده است: «در صورتی که عابر پیاده در عبور از سواره رو و معابر خیابانها جز از تقاطعی که خط‌کشی شده و مخصوص عبور عابر پیاده است (محل مجاز) از محل دیگری (محلهای غیرمجاز) عبور نماید متخلف شناخته می‌شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین‌نامه می‌باشد.»
- ۲۵- محمدباقر، کرمی، مجموعه استفتائات فقهی و حقوقی راجع به قتل، انتشارات فردوسی، ج اول، تهران، ۱۳۷۷، صص ۱۱-۱۲.
- ۲۶- از جمله در حکم شماره ۲۹/أ/۲۵-۱۷۲۲/۲۲ شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده است: «اگر مکانیسی

پس از تهیه اتومبیل برای آزمایش به شاگرد خود دستور دهد که هندل بزند و عمل شاگرد منجر به بیرون آمدن جرقه شود و آلوده بودن گلگیر به بنزین ایجاد حریق کند و لباس شاگرد دیگر نیز به همان علت آتش گیرد و فوت کند و احراز هم بشود که مکانیسم دستور به ایستادن در آن حوالی نداده بود مکانیسم قاتل غیر عمد شناخته نمی‌شود...» متین، احمد (۱۳۳۰) مجموعه رویه قضایی، تهران، انتشارات آفتاب، ص ۱۴۰.

۲۷- حسینقلی حسینی‌نژاد، «فرضیه خطا و خطر و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دوم، شماره ۱، (۱۳۶۴)، صص ۱۵۳-۱۵۱.

28- Padfield, c.c, " law made simple", seven edition. London. (1989), p92.

۲۹- ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ج ششم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶.

۳۰- محمدباقر کرمی، همان منبع، ص ۹۲.

۳۱- محمدباقر کرمی، منبع پیشین، صص ۳۰ و ۹۸.

منابع و مأخذ:

۱- بازگیر، یدالله، قانون مجازات اسلامی در آینه آرای دیوان عالی کشور، «قتل شبیه عمد و خطای محض».

۲- یاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج اول، انتشارات دانشگاه تهران، ج سوم، تهران، ۱۳۵۳.

۳- پیشگیری حوادث ناشی از کار، انتشارات دفتر بین‌المللی کار، ۱۳۷۲.

۴- حسینی‌نژاد، حسینقلی، «فرضیه خطا و خطر و رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور»، نشریه دانشکده

حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دوم، شماره ۱، (۱۳۶۴).

۵- حسینی‌نژاد، حسینقلی، مسؤلیت مدنی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ج اول، تهران، (۱۳۷۷).

۶- شاپور، رنه، مسؤلیت عمومی و مسؤلیت خصوصی.

۷- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲ و ۳، انتشارات، بهنشر، ج اول، تهران، ۱۳۶۸-۱۳۶۶.

۸- کرمی محمدباقر، مجموعه استفتانات فقهی و حقوقی راجع به قتل، انتشارات فردوسی، ج اول، تهران، ۱۳۷۷.

۹- گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپخانه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۰.

۱۰- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد)، ج ششم، تهران، ۱۳۷۸.

6- Ashwoith, Anarew "Principles of criminal law", :clarendon press, firt Edition, Oxford, 1991

.2- Chishoim V. british europcan was1963.

Padfield, c.c, " law made simple", seven edition. London. 1989